

# مصونیت قضایی و مسئولیت بین‌المللی

## مقامات مهم دولت‌ها

علیرضا دیهیم\*

### چکیده

چندی است که برخی از حقوقدانان بین‌المللی غربی دیدگاهی را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، تحولات رخ داده در حوزه مصونیت قضایی به سمت‌وسویی حرکت کرده است که در مواردی که مقامات مهم دولتی مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند، نمی‌توانند به مصونیت قضایی استناد جویند. به عبارت دیگر، عده‌ای از حقوقدانان بین‌المللی بر این عقیده‌اند که در صورت ارتکاب جنایات شدید بین‌المللی و به‌منظور مقابله با بی‌کیفری چنین جنایاتی، مقامات مهم دولتی را نباید از مصونیت قضایی برخوردار دانست. بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله حاکی از آن است که علی‌رغم تحولات رخ داده در حوزه مصونیت قضایی، مقامات دولتی در حقوق بین‌الملل همچنان از مصونیت برخوردارند و دکتترین مطروحه از سوی حقوقدانان غربی، در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و آرای محاکم داخلی مورد تأیید قرار نگرفته است و تبدیل به یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی نیز نشده است.

### واژگان کلیدی

مصونیت قضایی، مسئولیت بین‌المللی دولت، مسئولیت بین‌المللی مقامات.

---

\* مدیر گروه پژوهشی حقوق بین‌الملل و بشر معاونت پژوهش‌های حقوقی مرکز تحقیقات استراتژیک

Email: adeihim@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۵

فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۶ / پاییز ۱۳۹۴ / صص ۱۹۴-۱۶۷

## جستارگشایی

جنایات و وقایع تکان‌دهنده در یوگسلاوی سابق و رواندا و تصویب اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا (ICTY, ICTR) برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی در آن دو سرزمین در خلال سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس دیپلماتیک رم در ژوئیه ۱۹۹۸<sup>(۱)</sup> نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و تجاوز را جنایات شدیدی اعلام می‌دارد<sup>(۲)</sup> (دیپیم، ۱۳۸۰: ۱۴۹) که «موجب نگرانی مجموعه جامعه بین‌المللی شده و نباید بدون مجازات بمانند». (مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای این جنایات در سطح بین‌المللی زمینه‌ای را فراهم آورد تا برخی از کشورهای اروپایی با تصویب قوانین داخلی به اعمال صلاحیت کیفری و رسیدگی قضایی علیه متهمان به ارتکاب این جنایات که در رأس آنها مقامات مهم دولتی خارجی قرار داشتند مبادرت ورزند.<sup>(۳)</sup> این اقدام با تعهد حقوق بین‌الملل عرفی، تعهد کنوانسیون اروپایی مصونیت دولتی (۱۹۷۲) و در مواردی حتی با تعهدات قوانین داخلی ناظر بر احترام به اصل مصونیت تعارض داشت. از جمله این کشورها بلژیک بود که ابتدا با تصویب قانون سال ۱۹۹۳ و سپس با اصلاح آن در سال ۱۹۹۹- که به موجب آن ایراد عدم صلاحیت به استناد اصل مصونیت مقامات برجسته دولت خارجی مردود اعلام شده بود- راه را برای طرح شکایت‌های زیادی علیه این مقامات در محاکم قضایی بلژیک هموار ساخت<sup>(۴)</sup> (Lutz, 2009:36-37). اسپانیا و فرانسه نیز همین راه را طی کردند. برخی نیز مانند امریکا و اخیراً کانادا<sup>(۵)</sup> در قوانین داخلی مصونیت دولتی خود در همین راستا اصلاحاتی وارد کردند؛ اما عواملی چند بر ابهام‌های ایجادشده پیرامون وضعیت جدید افزوده است از جمله:

- عطف بماسبق شدن اعمال این قوانین به وضعیت‌ها و یا اعمال ارتكابی به‌پیش از زمان تصویب،<sup>(۶)</sup> با این استناد که منع جنایات علیه بشریت بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی و از مصادیق قواعد آمره است، قواعدی که نقض آنها مجاز نیست؛

- اختلاف نظر در خصوص مصادیق منع عرفی و آمره بودن موارد اتهام‌های انتسابی؛

- مشکل یافتن معیار مورد اتفاق برای تفسیر و تشخیص مصادیق مبنای مصونیت مقامات مهم و برجسته دولتی یعنی «اعمال و وظایف رسمی حاکمیتی»<sup>(۷)</sup>؛

- اختلاف بر سر چگونگی رفع تعارض بین اصول حقوق بین‌الملل و احراز اولویت یکی بر دیگری. مثلاً به هنگام تعارض اصل مصونیت با اصل منع شکنجه به‌عنوان یک منع حقوق بین‌الملل عرفی و قاعده آمره در مورد متهمانی که بر سر کار و در سمت رسمی همچنان باقی باشند همچنین در صورتی که استناد به مصونیت بر مبنای مادی منتفی باشد، با مصونیت بر

1. Exercise of Sovereign Authority (*Acta Jure Imperii*).

مبنای شخصی چگونه برخورد شود؛

- بر این موارد، اختلاف تفسیر قضایی نیز مزید شده است. به تعبیری چگونه وظایف رسمی، یعنی مبنای مادی اصل مصونیت، تعریف شده و بر آن اساس اقدام شود؟ بر اساس نوع وظایف محول شده به مقامات مهم و برجسته دولتی تعریف شود یا وظایف مرتبط با سمت و تصدی پست و مقام را نیز شامل شود.

همه این اختلاف‌ها در پرونده درخواست اسپانیا برای استرداد ژنرال پینوشه، (رئیس‌جمهور و دیکتاتور سابق شیلی) که در انگلستان توقیف شده بود در رسیدگی پژوهشی، مجلس اعیان این کشور در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۸ مطرح شده‌اند. در حالی که لرد لوید وظایف رسمی را «در ارتباط با سمت و تصدی پست و مقام» تفسیر می‌کرد و یا لرد سلین عدم اعمال اصل مصونیت رؤسای کشورها را مستلزم تصریح کنوانسیون بین‌المللی مورد پذیرش انگلستان می‌دانست، لرد ویکلسون اعمال مصونیت را درجایی می‌پذیرفت که عمل ارتكابی از مصادیق «وظایف و مسئولیت‌های رسمی» بوده باشد. لذا دستور به اعمال شکنجه (اتهام ژنرال پینوشه) را از مصادیق وظایف ریاست جمهوری نمی‌دانست. بنا به تعریف اول، ژنرال پینوشه را نمی‌شد به اسپانیا مسترد کرد هر چند دستور شکنجه، دستور فراقانونی بوده است؛ اما بنا به تعریف و تفسیر دوم، پینوشه از مصونیت بر اساس مبنای انجام وظیفه رسمی برخوردار نبوده، لذا قابل استرداد می‌بود؛

- اختلاف نظر دیگر از حیث مصادیق مغایرت با نظم عمومی<sup>۲</sup> به‌عنوان مبنای توجیه عدم شناسایی حکم دادگاه خارجی بود که در ماده ۲۰ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولتی با عبارت «آنجا که رأی و حکم» به‌طور آشکارا مغایر خط‌مشی دولت اجراکننده باشد یا آنجایی که در شرایط و اوضاع حاکم طرف متعاقد فرصت کافی برای طرح درست قضیه را نداشته باشد تعریف و به آن تصریح شده بود؛<sup>(۷)</sup>

- همین‌طور چگونگی تمایز و تفکیک نظم عمومی در قلمرو داخلی از قلمرو بین‌المللی موضوع اختلاف بود.

پایان یافتن عصر جنگ سرد بین دو قطب شرق و غرب، علی‌رغم خوش‌بینی اولیه، نتوانست به این سردرگمی حقوقی پایان بخشد به‌طوری‌که غیرقابل تعرض بودن مقامات رسمی خارجی از سوی محاکم داخلی و قوانین، رویه قضایی و دکترین ناظر بر چنین مصونیتی که امروزه از آن به‌عنوان بی‌کیفری یاد می‌شود، از دهه ۱۳۷۰ (۱۹۹۰) تاکنون شاهد دو روند متضاد بوده‌اند.

الف) ضرورت حمایت از مصونیت دولتی و دیپلماتیک به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل و مورد تأیید مقررات موجود؛<sup>۳</sup>

2. Ordre Public

3. Lex Lata

ب) ضرورت دگرگون کردن و اصلاح قوانین موجود<sup>(۸)</sup> تا سرحد لغو مصونیت و یا توسعهٔ حیطه و قلمرو استثناءهای مصونیت (قانون مطلوب).<sup>۴</sup>

## ۱. مصادیق قانونی و قضایی یا شبه‌قضایی تأیید اصل مصونیت، در جهت پذیرش یا به چالش کشیدن مصونیت در دهه اول هزاره سوم میلادی<sup>(۹)</sup>

در این گفتار به برخی از قوانین و آراء قضایی یا اداری بین‌المللی در جهت حمایت از مقررات موجود و حمایت از مقررات مطلوب اشاره می‌شود.

### ۱-۱. حمایت از مقررات موجود

۱- تصویب قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به شکایات اتباع ایرانی علیه دولت‌های خارجی (۱۳۷۸) و اصلاحیهٔ آن که عکس‌العملی بود نسبت به اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌های خارجی ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۶).<sup>(۱۰)</sup>

۲- صدور آراء بسیار زیاد در پرونده‌های متعدد در دادگاه‌های آمریکا و به‌طور عمده در دادگاه بخش ایالت کلمبیا با مطالبه میلیاردها دلار خسارات مادی، معنوی و تنبیهی به بهانه انتساب شبه جرم‌های تروریستی به مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۰، نقض قاعدهٔ عرفی مصونیت تلقی و موجب عکس‌العمل متقابل قوه مقننه و بر اساس آن محاکم ایران در صدور آراء مطالبه خسارت از دولت آمریکا شد.

۳- تلاش ناکام آمریکا در راستای شناسایی و اجرای این احکام در مراجع قضایی ایتالیا با رأی نقضی دیوان عالی این کشور، هرچند بدون ورود به مسئله مصونیت.

۴- صدور قرارهای توقیف در پرونده کذایی آمیا (انفجار مؤسسه تعاونی اسرائیل در آرژانتین) توسط دادستان‌های آرژانتینی و تأیید آنها توسط قاضی تحقیق علیه مقامات جمهوری اسلامی ایران و در مرحله بعد وارد کردن اتهام علیه دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران توسط قاضی تحقیق جدید، دکتر کورال، در سال ۲۰۰۶. مع‌الوصف عدم موافقت با صدور اخطار قرمز علیه سه تن از مقامات دولتی کشورمان یعنی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه و سفیرمان در سال ۱۹۹۴ - (در زمان انفجار) به استناد اصل مصونیت.<sup>(۱۱)</sup>

۵- رأی دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۵</sup> در سال ۲۰۰۲ با این عبارت: «قواعد حاکم بر صلاحیت مراجع قضایی ملی را باید از قواعد حاکم بر مصونیت‌های صلاحیتی تفکیک کرد. اعمال صلاحیت به مفهوم عدم مصونیت نبوده و فقدان مصونیت به‌منزله اعمال صلاحیت نیست. کنوانسیون‌های متعدد الزام به مجازات یا استرداد دارند، این اعمال صلاحیت به مفهوم متأثر کردن قاعده عرفی مصونیت نیست.» (United Nations, 2003: 213)

4. Lex Ferenda

5. International Court of Justice (ICJ)

در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ قاضی تحقیق دادگاه بدوی در بلژیک قرار توقیف غیابی علیه عبدالله یرودی<sup>۶</sup> وزیر خارجه وقت جمهوری دموکراتیک کنگو به اتهام ارتکاب و مشارکت در ارتکاب نقض‌های شدید کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن و جنایت علیه بشریت صادر کرد. اتهامات وارده بر اساس قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ بلژیک تحت عنوان «مجازات نقض‌های شدید کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی یک و دو ۸ ژوئن ۱۹۷۷ آن» با اصلاحیه مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۹۹ تحت عنوان «مجازات نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی» صورت گرفته بود.

در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰ کنگو از دیوان بین‌المللی دادگستری خواستار صدور رأی مبنی بر اعلام بی‌اعتباری قرار صادره از سوی دادگاه بلژیک شد. اساس استدلال کنگو در این قضیه موارد زیر بود:

۱- «عدم رعایت مصونیت نسبت به اعمال صلاحیت کیفری و تعرض ناپذیری مطلق وزیر امور خارجه در زمان تصدی» که یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی است.

۲- مغایرت با اصلی که به موجب آن دولتی نمی‌تواند در سرزمین دولت دیگر اعمال اقتدار نماید.

۳- مغایرت با اصل تساوی حاکمیت همه اعضای ملل متحد، تصریح‌شده در ماده ۲ (بند ۱) منشور سازمان ملل متحد.

۴- نقض مصونیت دیپلماتیک وزیر امور خارجه یک دولت واجد حاکمیت و شناسایی‌شده بر اساس و به موجب ماده ۴۱ (بند ۲) کنوانسیون وین ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در زمینه روابط سیاسی (United Nations, 2003: 208-210).

دیوان بین‌المللی دادگستری صرف‌نظر از اعتراض به مبنای اول شکایت کنگو یعنی اعمال صلاحیت جهانی، فقط به بررسی قسمت دوم شکایت می‌پردازد در صورتی که بلژیک بر اساس حقوق بین‌الملل حق اعمال صلاحیت و به جریان انداختن قرار توقیف را داشته باشد آیا مصونیت‌های وزیر خارجه وقت را نقض کرده است؟

دیوان تأیید می‌کند که حقوق بین‌الملل، برخی از مقامات مهم دولتی مانند رئیس کشور، رئیس دولت و وزیر امور خارجه را همانند دیپلمات‌ها و مأموران کنسولی برخوردار از مصونیت اعمال صلاحیت کیفری و حقوقی می‌شمارد.

۵- هرچند کنوانسیون وین دیپلماتیک (۱۹۶۱) و کنوانسیون مأموریت‌های ویژه (موقت) (۱۹۶۹) در خصوص برخی از ابعاد مصونیت، راهنمایی‌های خوبی را ارائه می‌دهند اما واجد مقرره خاصی درباره مصونیت وزیر امور خارجه نیستند؛ بنابراین، باید به حقوق بین‌الملل عرفی مراجعه کرد که به موجب آن مصونیت‌های اعطاشده به وزیر خارجه نه برای منفعت شخصی

بلکه به‌منظور اجرای مؤثر وظایف محوله از سوی دولت متبوع اوست. طبیعت وظایف یک وزیر امور خارجه چیست؟

دیوان پاسخ می‌دهد که وزیر خارجه باید در طول زمان حفظ سمت خود از مصونیت کامل نسبت به صلاحیت کیفری و عدم تعرض پذیری در هنگام سفر به خارج برخوردار باشد. چنین مصونیت و عدم تعرض پذیری، وی را در برابر هرگونه اعمال صلاحیت توسط دولت دیگر که می‌تواند مانع از انجام وظایف محوله وی باشد حمایت می‌کند. به عقیده دیوان نمی‌توان تمایزی بین اعمال وزیر خارجه از حیث سمت رسمی با رفتارهایی که ادعا می‌شود در ظرفیت شخصی انجام داده است قائل شد، یا حتی بین اعمال وی پیش از انتصاب به آن سمت و اعمالی که وی در زمان تصدی انجام می‌دهد؛ بنابراین، توقیف وزیر خارجه در کشور خارجی مانع از انجام وظایف محوله خواهد شد و حتی احتمال اینکه وی در سفر خارجی دستگیر شود مانع از انجام وظایف رسمی وی خواهد بود.

۶- رأی مورخ ۳ فوریه ۲۰۱۲ دیوان در پرونده شکایت آلمان علیه ایتالیا مبنی بر رد ایده‌پردازی محاکم ایتالیایی از حیث شکل گرفتن روند محدود شدن مصونیت دولت‌ها در اعمال حاکمیتی خود.<sup>(۱۲)</sup>

۷- استدلال‌های کنگو علیه فرانسه در دسامبر ۲۰۰۲ با خواسته‌های زیر از دیوان بین‌المللی دادگستری:

یک- اعلام بی‌اعتباری و توقف تحقیقات و پیگرد رئیس‌جمهور کنگو، وزیر کشور و دیگر اشخاص از جمله بازپرس کل نیروهای مسلح آن کشور از سوی محاکم فرانسه به اتهام ارتکاب جنایات علیه بشریت و شکنجه.

دو- توقف هرگونه اقدام علیه رئیس‌جمهور کنگو از جمله قرار احضاری که به‌عنوان شاهد علیه او صادر شده بود.

سه- زیرا با صدور قرار تحقیق از رئیس‌جمهور توسط پلیس، مصونیت عرفی رئیس‌جمهور خارجی را که مورد تأیید دیوان هم می‌باشد نقض کرده است<sup>(۱۳)</sup> (United Nations, 2008: 31).

۸- همچنین مراجعه شود به شکایت جیبوتی علیه فرانسه (ژانویه ۲۰۰۶) پرونده برخی پرسش‌ها در زمینه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری و رأی مورخ ۲۰۰۸ دیوان بین‌المللی دادگستری.

جیبوتی در شکایتش در خصوص احضار اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله رئیس‌کشور و برخی دیگر از مقامات جیبوتی به‌عنوان شاهد از سوی دادگاه فرانسوی اعتراض داشت که فرانسه تعهد خود را نسبت به جلوگیری از حمله علیه شخص، آزادی و حیثیت اشخاصی که از حمایت برخوردار هستند نقض کرده و از دیوان خواسته بود نقض مصونیت، شرافت و حیثیت رئیس‌جمهور به‌عنوان نقض اصول حقوق عرفی و اصول عمومی حقوق بین‌الملل اعلام شود. دیوان

با ۱۲ رأی در برابر ۴ رأی (حقوقدانان ماداگاسکار، ونزوئلا، اسلواکی و قاضی ویژه فرانسوی) به نفع شکایت رأی داد (United Nations, 2008: 31-32).

۹- تصویب کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها، (دسامبر ۲۰۰۴) همچنین موارد قانون‌گذاری داخلی و رویه قضایی (لااقل در دیوان بین‌المللی دادگستری) در سطح بین‌المللی در راستای تداوم روند حرمت مصونیت دولتی هستند.

## ۱-۲. حمایت از قانون مطلوب

در این قسمت به برخی از قوانین، رویه‌های قضایی و دکترین مدافع محدودتر شدن قلمرو مصونیت تا سر حد دفاع از عدم مصونیت مقامات مهم دولتی شامل تروئیکا (رئیس کشور، رئیس دولت و وزیر امور خارجه) از حیث صلاحیت محاکم خارجی اشاره می‌شود:

۱- تصویب قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (۱۹۹۶ در آمریکا)<sup>۷</sup> و قانون اجرای برخی احکام ضد تروریستی (۲۰۰۱ در آمریکا)<sup>۸</sup> که به موجب آن:

۱-۱. بدهی‌های آمریکا به دول دیگر به منظور اجرای احکام دادگاه‌ها قابل توقیف است.

۲-۱. به رئیس‌جمهور آمریکا این اختیار داده شده است که با توجه به اقتضای منافع ملی و مورد به مورد از اجرای احکام نسبت به اماکن دیپلماتیک و یا نسبت به وجوه متعلق به یک مأموریت دیپلماتیک که طبق تشخیص رئیس‌جمهور عملاً برای اداره امور نمایندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، صرف نظر نماید.

۳-۱. اختیار اعطایی به رئیس‌جمهور شامل موارد زیر نخواهد بود:

اول: در صورتی که اماکن برای مقاصد غیر دیپلماتیک مورد استفاده قرار گیرند از جمله اماکنی که به اجاره واگذار شده‌اند و عواید ناشی از آن.

دوم: در صورتی که اماکن مأموریت دیپلماتیک به طرف ثالثی منتقل گردند، بهای ناشی از انتقال.

استثناء عدم مصونیت در دعاوی شبه‌جرم<sup>۹</sup> بر اساس قاعده لازم‌الاجرای عدم شمول مصونیت بر جراحات جسمانی یا خسارات مالی<sup>۱۰</sup> در اجرای احکام حقوقی و تجاری موضوع کنوانسیون لاهه ۱۹۷۱ مشروط به رعایت شرایطی است که هر دو قانون یادشده آنها را نادیده گرفته‌اند. توضیح اینکه غالب کشورهایایی که دارای قوانین مصونیت دولتی هستند، جرائم شبه‌جرمی موضوع ایراد خسارت جانی یا مالی با خواسته غرامت را از شمول مصونیت استثناء کرده‌اند. البته، چنانچه فعل یا ترک فعل موجب قتل یا جراحت یا خسارت علیه اموال در کشور محل رسیدگی به اتهام رخ داده و متهم نیز در آن کشور حضور داشته باشد (یعنی رسیدگی

7. Justice for Victims of Terrorism

8. Enforcement of Certain Anti-Terrorism Judgments

9. Tortious Acts

10. Pretium Doloris

غیابی نباشد). این استثناء را ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت قضایی دولتها و اموال آنها اجازه داده است.

در سال ۱۹۹۶ آمریکا با تصویب قانون «جبران اجباری خسارات قربانیان» موضوع قانون «ضد تروریسم و مجازات قتل»، قانون «مصونیت دولتی» (۱۹۷۶) خود را اصلاح کرد به این طریق که دول خارجی که از سوی وزارت امور خارجه آن کشور در فهرست حامیان تروریسم قرار داشته باشند نسبت به دعاوی شبه‌جرمی اتباع آمریکا از حیث جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از اتهامات تروریستی فاقد مصونیت قضایی خواهند بود.

مجدداً در همان سال، کنگره آمریکا با اصلاحیه معروف به «فلاتو»<sup>۱۱</sup> (مسئولیت مدنی در برابر اعمال تروریستی دولت حامی تروریسم) قلمرو مصونیت را محدودتر کرد و دادگاهها مجاز شدند نسبت به صدور احکام پرداخت خسارت مادی، معنوی و حتی تنبیهی<sup>۱۲</sup> اقدام کنند. بدین طریق زمینه برای طرح دهها شکایت با مطالبه میلیاردها دلار علیه مقامات جمهوری اسلامی ایران فراهم شد.<sup>(۱۴)</sup>

مبنای مادی جرائم بدون مصونیت قضایی عبارت بودند از: پرونده‌هایی که موضوع شکایت آنها عبارت باشند از جبران خسارت پولی در موارد شکنجه، قتل غیرقانونی، خرابکاری در هواپیما و گروگان‌گیری. شکایت‌های ناظر بر حمایت مادی و تدارک وسایل لازم برای انجام چنین اعمالی از سوی دولت خارجی، مشروط بر اینکه این اعمال توسط کارگزار یا کارمند یا نمایندگان دولت‌های خارجی در حدود مأموریت یا وظایف کارگزاری یا کارمندی علیه اتباع آمریکا اجرا و ارتکاب یافته باشد (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۶؛ کرمی، ۱۳۸۸؛ کدخدایی و داعی، ۱۳۹۰).

برای توقیف اموال و یا دارایی ایران و در اجرای حکم‌های صادره علیه ایران در سال ۲۰۰۸ قانون جدید «حمایت از قربانیان قاچاق و خشونت» در کنگره تصویب شد که راه را برای سلب مصونیت نسبت به عواید ناشی از اموال دولت ایران هموار ساخت. تا پیش‌ازاین مصوبه، مصادره اموال غیرمنقول دیپلماتیک و حساب‌های مربوط به واریز اجاره‌بهای آن که جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها اختصاص پیدا کرده و به استناد کنوانسیون وین ۱۹۶۱ و ماده ۲ قانون اساسی آمریکا با مانع مصونیت دیپلماتیک مواجه بود و دادگاه نمی‌پذیرفت درآمد حاصل از اجاره را از مصادیق اعمال تصدی تلقی کند. برعکس دادگاه با حمایت وزارت خارجه آمریکا مبنای توقیف اموال دولت ایران از سوی آمریکا را آیین‌نامه تنظیم کنترل اموال ایران و از مصادیق اعمال ماهیتاً حاکمیتی اعلام داشت که در نتیجه واجد و برخوردار مصونیت تلقی می‌شد (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۱).

11. Flatwo

12. Punitive Damages



قانون «حمایت از قربانیان قاچاق و خشونت» (۲۰۰۰) و قانون «بیمه خطر تروریسم» (۲۰۰۲)، مصونیت توقیف اموال دولت‌های حامی تروریسم را به‌استثنای اموال دیپلماتیک و کنسولی لغو می‌کرد.

قانون تملک‌های سال ۲۰۰۸ نیز راه را برای اجرای احکام صادره و برای صدور احکام تنبیهی علیه دولت هموار می‌ساخت به طوری که حق اقامه شکایت را برای افراد طرف قرارداد با دولت آمریکا اما غیر تبعه را نیز شناسایی می‌کرد.

ضمناً ۵۲ نفر از کارکنان سابق سفارت آمریکا در تهران نیز که شکایتشان در سال ۲۰۰۱ علیه ایران با خواسته جبران خسارت مادی و معنوی و تنبیهی به دلیل مغایرت با بیانیه الجزایر رد شده بود، تلاش جدیدی را جهت پیگیری دعاوی خود علیه ایران آغاز کردند که باز هم به دلیل لزوم احترام به قراردادهای منعقد شده بین کشورها و عدم صراحت قانونی در جهت لغو آن، با شکست مواجه شد.

مورد دیگر پرونده *آمیلا* است. با اینکه ایران کل اتهامات را بی‌اساس و آنها را دروغ‌های ساخته و بافته شده محافل صهیونیستی و آمریکایی اعلام کرده و برای اثبات حسن نیت خود و نشان دادن روحیه همکاری اعلام داشته که قانون مجازات اسلامی به موجب مواد ۶، ۷ و ۸<sup>(۱۵)</sup> اجازه رسیدگی به اتهامات را در مراجع قضایی ایران بر اساس مستندات ارائه شده اعطا کرده است و بارها اعلام داشته است که رسیدگی قضایی و قرارهای صادره توسط دادستان‌های آرژانتینی مغایر و ناقص اصل مصونیت دولتی و دیپلماتیک و تعهدات آن دولت است؛ مع‌الوصف، مقامات قضایی همچنان بر نظر خود مبنی بر پیگرد کیفری مقامات برجسته کشورمان اصرار می‌ورزند.

توضیح آنکه غالب کشورهای بی‌که دارای قوانین مصونیت دولتی هستند، جرائم شبه‌جرمی موضوع ایراد خسارت جانی یا مالی با خواسته غرامت را در صورتی که فعل یا ترک فعل موجب قتل یا جراحت یا خسارت علیه اموال در کشور محل رسیدگی به اتهام رخ داده و متهم نیز در آن کشور حضور داشته باشد (یعنی رسیدگی غیابی نباشد)، از شمول مصونیت استثناء کرده‌اند. این استثناء را ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها اجازه داده است. در سال ۱۹۹۶ آمریکا با تصویب قانون «جبران اجباری خسارات قربانیان» موضوع «قانون ضد تروریسم و مجازات قتل» قانون مصونیت دولتی ۱۹۷۶ خود را اصلاح کرد به این طریق که دول خارجی که از سوی وزارت امور خارجه آن کشور در فهرست حامیان تروریسم قرار داشته باشند نسبت به دعاوی شبه‌جرمی اتباع آمریکا از حیث جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از اتهامات تروریستی فاقد مصونیت قضایی خواهند بود.

۲- تشکیل بیش از ده پرونده قضایی در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ علیه مقامات مهم دولتی خارجی در محاکم اروپایی از جمله علیه نخست‌وزیر اسرائیل، قذافی، فیدل کاسترو،

کیسینجر (وزیر خارجه وقت امریکا)، رئیس‌جمهور سابق ایران، حسن هابره (رئیس‌جمهور سابق چاد)، وزیر خارجه جمهوری کنگو و در امریکا علیه رئیس‌جمهور زیمبابوه و رئیس‌جمهور سابق چین کمونیست،<sup>(۱۶)</sup> مصادیق قضایی به چالش کشاندن اصل مصونیت مقامات دولت خارجی در محاکم داخلی هستند.

۳- دو قانون آمریکایی «دعاوی مسئولیت مدنی علیه خارجی‌ان»<sup>۱۳</sup> و «قربانیان شکنجه»<sup>۱۴</sup>.

۴- رأی مجلس اعیان انگلیس (دادگاه استیناف در ۱۹۹۹) علیه پینوشه، رئیس‌جمهور سابق و سناتور وقت شیلی، در استرداد وی به اسپانیا برای محاکمه به اتهام شکنجه و دیگر جنایات بین‌المللی.

به خاطر داشته باشیم که روند عدم مصونیت نسبت به رسیدگی قضایی یا صدور احکام مسئولیت کیفری علیه مقامات خارجی - نه دولت خارجی - از زمان تدوین و تأیید اصول حقوق بین‌الملل شناسایی شده در منشور دیوان نورنبرگ و در آراء آن (۱۹۴۹) در خصوص ارتکاب جنایت بر اساس حقوق بین‌الملل شروع شد. این امر در اساسنامه و آراء دیوان‌های کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۴) و برای رواندا (۱۹۹۵) نیز تأیید شد. همچنین این امر در ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) در مورد ژنوسید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز<sup>(۱۷)</sup> به این شرح تثبیت شده است: «ماده ۲۷ (۱): ۱. این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به‌طور مشخص، سمت رئیس‌دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به‌هیچ‌وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به‌موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد. همچنان که وجود سمت‌های مذکور به‌تنهایی دلیلی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. ۲. مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به‌موجب حقوق داخلی یا بین‌المللی در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌شوند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید».

باید خاطر نشان شود که علی‌رغم این مقرره، دیوان بین‌المللی دادگستری در شکایت کنگو به طرفیت بلژیک به هنگام بررسی موضوع تدوین قوانین داخلی؛ و یا برخی آراء قضایی از جمله در مجلس اعیان انگلیس؛ و دادگاه قانون اساسی فرانسه از این حیث که وزیر خارجه را در ارتکاب جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت برخوردار از مصونیت نمی‌داند چنین تأکید کرده است که: «از این موارد نمی‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در حقوق بین‌المللی عرفی در موارد ذکر شده استثنائی شکل گرفته است. اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی نیز ناظر بر استثناء برای دادگاه‌های داخلی نیستند. رویه

13. The Alien Tort Claims Act (ACTA)

14. Torture Victims- Act

قضایی آنها نیز مغایر با چنین استنباطی نبوده است لذا استدلال بلژیک را نمی‌پذیرد».  
(United Nations, 2003: 212-3)

بنابراین، روند متضاد مورد اشاره، مربوط به اعمال صلاحیت محاکم ملی نسبت به اتهامات مقامات دولتی خارجی است و نه دیوان‌های کیفری بین‌المللی که شامل دیوان‌های کیفری مختلط<sup>۱۵</sup> نیز است.

## ۲. دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل پیرامون مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری

کولودکین<sup>۱۶</sup> گزارشگر ویژه پیشین خاطرنشان ساخته بود که مصونیت مقام دولت خارجی از صلاحیت کیفری داخلی، یک قاعده بوده و هرگونه استثناء نسبت به آن لازم است اثبات شود. به نظر وی، مقامات دولتی، همچنان از مصونیت بر مبنای مادی در ارتباط با اعمالی که در سمت رسمی خود انجام می‌دهند برخوردار خواهند بود زیرا این رفتارها، اعمال دولت تلقی می‌شوند که شامل اعمال غیرقانونی و خارج از اختیارات<sup>۱۷</sup> نیز است (United Nations, 2011: para. 109). در حالی که به موجب قطعنامه مورخ ۲۰۰۹ انستیتوی حقوق بین‌الملل تحت عنوان «مصونیت از صلاحیت دولتی و اشخاص که از سوی دولت در موضوع جنایات بین‌المللی اقدام می‌کنند» اشاره شده است: «۱. مصونیت نسبت به صلاحیت در مورد جنایات بین‌المللی اعمال نمی‌شود به استثنای مصونیت شخصی به موجب حقوق بین‌الملل. ۲. زمانی که سمت یا مأموریت شخصی که از مصونیت برخوردار است پایان می‌پذیرد، مصونیت شخصی وی نیز متوقف می‌شود.»

حیطه و قلمرو مصونیت دولت و مقامات دولتی با مصونیت دیپلماتیک در این موارد مشابه نیستند هرچند مبنای وجودی و توجیهی هر دو مصونیت یکی هستند یعنی عدم ایجاد اخلال در انجام وظایف مقامات دولتی یا عدم تنش در روابط بین‌المللی (تئوری کارکردی)<sup>۱۸</sup> و لزوم احترام به اصول تساوی حاکمیت‌ها و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و حرمت اصل نمایندگی.<sup>۱۹</sup> از حیث قلمرو به‌عنوان مثال مصونیت مقامات دولتی در رابطه با اعمال آنها در زمان زمان تصدی سمت رسمی مبنای مادی (عنصر فعلی) بوده و شامل رفتارها و اعمال قبل از تصدی و پس از آن نخواهد بود و حال آنکه مصونیت گروه سه‌گانه (تروئیکا) شامل رؤسای کشور، رؤسای دولت و وزیران خارجه و احتمالاً برخی مقامات معدود عالی‌رتبه، به عقیده گزارشگر ویژه پیشین، هم بر اساس شخصی بوده و هم مادی (فعلی) و مطلق هم است. آن‌گونه

15. hybrid

16. Roman Anatolevich Kolodkin

17. Ultra Vires

18. Functional Theory

19. Representative Theory

که دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص قرار توقیف وزیر خارجه جمهوری کنگو<sup>(۱۸)</sup> مبادرت به صدور رأی کرده و شمول مصونیت نسبت به رفتارهای وی را در سمت رسمی و شخصی، قبل و حین اشتغال به این سمت(ها) را تأیید کرده و افزوده است مصونیت بر اساس مادی، پس از ترک پست و مقام نیز ادامه خواهد داشت.

رومن کولودکین، حقوقدان روسی اضافه کرده بود توجیهاتی که در خصوص عدم شمول مصونیت نسبت به برخی جرائم در نوشته اساتید حقوق بین‌الملل کیفری (دکترین) و یا در آراء قضایی بیان شده‌اند به شرح زیر قابل خلاصه کردن هستند، هرچند اقناع‌کننده نیستند:

۱. رفتارهای جنایت‌آمیز شدید نمی‌توانند در زمره وظایف و اعمال دولتی تلقی شوند.
۲. قاعده مصونیت قابل اعمال نیست؛ زیرا چنین رفتارهایی هم به دولت قابل انتساب هستند و هم به مقام رسمی دولتی. پس نافی مسئولیت کیفری فردی نیست.
۳. قواعد آمره (تخطی‌ناپذیر بودن برخی قواعد) بر مصونیت غلبه دارد.
۴. قاعده و هنجار عرفی در حال شکل گرفتن بوده که مانع از اعمال مصونیت است.
۵. صلاحیت جهانی.
۶. اصل «یا مسترد کن یا محاکمه کن». قید این اصل در موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه بدون تصریح به مصونیت به معنای نفی اعمال آن است (United Nations, 2011: para. 114).

گزارشگر ویژه پیشین می‌افزاید، با بررسی دقیق پرونده‌های مورد اشاره، طرفداران استثناء اعمال مصونیت و غیابی بودن برخی محاکمات مورد استناد و عدم همکاری دولت‌های مربوط هیچ‌یک دال بر پیدایش و ظهور یک قاعده حقوق بین‌المللی بر استثناء مصونیت نیستند. بر عکس پرونده‌های دیگری وجود دارند که دال بر اعمال قاعده مصونیت هستند مانند پرونده شاکیان علیه موشه یعلون (رئیس پیشین اطلاعات ارتش اسرائیل) که در رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ دادگاه بخش کلمبیا و رأی پژوهشی ۱۵ فوریه ۲۰۰۸، علی‌رغم استناد به آراء محاکم آلمانی و فرانسوی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ و در باب مفتوح کردن پرونده کیفری علیه وزیر دفاع سابق امریکا، دونالد رامسفلد، بر اساس مصونیت رأی داده شد (حمایت از مقررات موجود).

## ۲-۱. حمایت از قانون و وضعیت مطلوب

در مقابل این موضع، گزارشگر جدید، پاول استورما<sup>۲۰</sup> و برخی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل از موضع‌گیری سیستماتیک حمایت می‌کنند که بر تمایل به محدود کردن مصونیت و حیطة و قلمرو آن تأکید دارد. به عقیده این گروه، حقوق بین‌الملل کنونی متأثر از ارزش‌ها و به نفع انسان‌دوستی (اومانیسیم حقوقی) و شناسایی وجود یک جامعه بین‌المللی است. این گروه در

راستای حمایت از قانون مطلوب می‌افزایند: اهمیت جهت‌گیری ایده‌های جدید «انسان‌دوستی قانونی» و پذیرش ایده «وجود جامعه بین‌المللی» و لزوم پایان دادن به بی‌کیفری نسبت به جنایات مهم و عمده است<sup>(۱۹)</sup> و اینکه همه افراد باید در برابر قانون یکسان و به نحو یکسان برخورد شوند، در هر مقامی که باشند مگر دلایل و جهات استثنائی، خلاف آن را توجیه کند؛ بنابراین، اصول مزبور لغو و یا محدودتر کردن مصونیت را ایجاب کرده است.

اختلاف دیگر مربوط به قلمرو کیفری و مدنی مصونیت دولتی و خصیصه مطلق یا نفی آن است. بدین معنا که روند رو به تحول، چنانچه در ارتباط با دعاوی کیفری قابل اثبات نباشد در دعاوی حقوقی ناشی از ارتکاب جنایات مهم مصداق دارد. متقابلاً برخی معتقدند که هرچند مصونیت شخصی و مادی (فعلی) هر دو از یک منشأ ریشه گرفته‌اند یعنی مصونیت دولتی که براساس آن دادگاه‌های داخلی نمی‌توانند به قضاوت نسبت به اعمال دولت یا مقامات دولت خارجی بنشینند، نمی‌توان منکر رابطه متقابل و نزدیک بین مصونیت مدنی و کیفری بر یکدیگر شد.

گروه اخیر در پاسخ به گروه اول می‌گویند نه‌تنها دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده مصونیت‌های صلاحیتی دولت (آلمان به طرفیت ایتالیا، ۳ فوریه ۲۰۱۲) مناقشه محاکم ایتالیا را مردود شناخت. مناقشه‌ای که بر اساس آن محاکم ایتالیایی مدعی بودند روندی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که بر اساس آن اعمال مصونیت دولتی از حیث عدم اعمال اصل مسئولیت مدنی حقوقی سرزمینی در ارتباط با اعمال حاکمیت<sup>۲۱</sup> در حال محدود شدن است، بلکه بر عکس، روند مخالفی وجود دارد که مؤید اعمال قاعده مصونیت در آراء محاکم کیفری داخلی است. بدین معنا که عملکرد دولت‌ها در آراء قضایی حاکی از این بوده که مصونیت دولتی به لحاظ اعمال حاکمیتی در دعاوی حقوقی در شکایت مربوط به ارتکاب قتل، جراحت بدنی یا ایراد خسارات مالی از جانب نیروهای نظامی و یا دیگر ارگان‌های دولتی در جریان درگیری مسلحانه رعایت شده است حتی نسبت به آن دسته از رفتارها و نتایج که در کشور محل اقامه شکایت رخ داده باشد. وانگهی تصمیم مربوط به پرونده پینوشه نیز از زمان اتخاذ آن در سال ۱۹۹۹ به‌طور وسیعی تبعیت نشده است.<sup>(۲۰)</sup> چنانچه این موضع در پرونده «برخی پرسش‌های معاضدت متقابل در امور کیفری» (جیبوتی علیه فرانسه - ۲۰۰۸، بند ۱۸۸) توسط دیوان تأیید گردیده است.

اما گروه سوم در کمیسیون معتقد بودند بهتر است از اصطلاح «مطلق» در موضوع مصونیت احتراز شود و بیشتر از اصطلاحاتی چون «استثناء از برخی مقررات» یا «محدودیت» استفاده شود؛ و اگر لازم باشد محدودیتی در خصوص مصونیت اعمال شود، این حرکت و تحول عمودی خواهد بود و نه یک رابطه افقی. پس در یک جمع‌بندی باید گفت: مبنای فعلی و مادی

مصونیت نیز محدودیت است و نباید از آن یک مفهوم موسع برداشت شود. گروه اخیر می‌گوید کمیسیون باید نوعی توازن را بین حرمت حاکمیت و پایان دادن به بی‌کیفری در موارد جنایات نفرت‌انگیز و آسیب‌های جدی واردشده بر قربانیان آن برقرار سازد.<sup>(۲۱)</sup>

جالب است که همین کشورهای مدافع نظریه قانون مطلوب که در قرون گذشته از مصونیت مطلق دفاع می‌کردند<sup>(۲۲)</sup> اکنون در دفاع از محدودیت تا سر حد لغو آن مدعی هستند که اگر اصرار باشد که مصونیت بر مبنای شخصی<sup>۲۲</sup> و بر اساس سمت و مقام برای رؤسای کشور و دولت و وزیران خارجه (گروه تروئیکا<sup>۲۳</sup>) حفظ شود- که البته از نظر زمانی محدود است<sup>۲۴</sup> و با پایان یافتن سمت، آن هم متوقف می‌شود- و عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکترین حاکی از فرض پذیرش مصونیت آن باشد:

اولاً؛ نباید به دیگر مقامات برجسته گسترش یابد؛ زیرا علی‌رغم تأیید مصونیت حقوقی و کیفری برای این سه دسته و دیگر مقامات برجسته از سوی دیوان در رأی قرار توقیف صادره در دعوی کنگو علیه بلژیک (آوریل ۲۰۰۲، پرونده یروودیا) با این وجود نباید مخالفت برخی دیگر از قضات دیوان و دکترین را نسبت به این رأی نادیده گرفت.

ثانیاً؛ مصونیت بر پایه مادی (فعلی)<sup>۲۵</sup> یعنی مصونیت نسبت به اعمال زمان تصدی سمت رسمی- که پس از سپری شدن مسئولیت و کنار رفتن از مقام باز هم ادامه می‌یابد- باید متوجه معرفی فهرستی از اعمالی باشد که می‌تواند مشمول مصونیت مادی قرارگیرند تا مشخص شود که آیا می‌توان هر عملی را در زمره وظایف رسمی شناخت هر چند ارتکاب جنایات بین‌المللی باشد؟

وانگهی نباید فراموش کرد که مصونیت بر مبنای مادی (فعلی) مبتنی بر دکترین «عمل دولت» است به این معنا که فعالیت و رفتارهای مقامات رسمی دولتی در زمان تصدی سمت رسمی در ظرفیت شخصی صورت نمی‌گیرند. آنها وظایف دولتی را انجام می‌دهند؛ بنابراین، از آنجایی که دولت واجد مصونیت قضایی است لذا دولت‌های خارجی مجاز نیستند مصونیت قضایی به‌ویژه کیفری مقامات دولتی را در ارتباط با اعمال آنها در سمت و تصدی رسمی نقض کنند، به‌ویژه اینکه مصونیت مرتبط با اعمال دولتی پس از دست دادن سمت نیز همچنان ادامه می‌یابد.

حال آیا صحیح است که مثلاً از مصونیت دیپلمات‌ها که به مصونیت شغلی<sup>۲۶</sup> (چون مهم‌ترین وظیفه دیپلمات نمایندگی از سوی دولت متبوع خود است) یاد می‌شود، این‌گونه نتیجه‌گیری کنیم که ارتکاب جنایت توسط دیپلمات یک وظیفه دولتی تلقی می‌شود که بر آن

22. Ratione Personae

23. Troika

24. Ratione Temporis

25. Ratione Materiae

26. Functional Immunity

اساس بتواند مدعی مصونیت شود؛ یا اینکه وظایف دیپلمات در نمایندگی از سوی دولت متبوع و به موجب کنوانسیون وین دیپلماتیک (۱۹۶۱) احصاء شده و ارتکاب جرم و یا نقض قواعد آمره را شامل نمی‌شود؟

وانگهی باید توجه داشت که جوهره مصونیت کارکردی (شغلی) همان‌گونه که در نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در دسامبر ۱۹۸۹ در پرونده گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض، مازیلو<sup>۲۷</sup>، آمده است «در طبیعت مأموریت نهفته است و نه در موقعیت اداری (مأمور)». (ICJ Reports 1989:194, para. 47)

کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد (۱۹۴۶) - که محتوای آن در صدها موافقت‌نامه مربوط به سازمان ملل و فعالیت‌های آن آمده است - در بخش (b) ۲۲ ماده ۶ آن در خصوص متخصصان به مبنای انجام‌وظیفه (مصلحت شغلی) اشاره دارد: «کارشناسان - به‌استثنای کارمندان مشمول ماده ۵ - در طول مدت‌زمانی که صرف مسافرت مربوط به مأموریت می‌نمایند از مزایا و مصونیت‌هایی که برای انجام وظایف مستقلانه آنها لازم باشد برخوردار خواهند بود. این مأموران بالاخص از مزایا و مصونیت‌های ذیل بهره‌مند خواهند بود: یک - مصونیت از توقیف شخصی یا بازداشت و ضبط لوازم شخصی. دو - در مورد گفته و نوشته خود و اعمالی که ضمن ایفای مأموریت خود انجام می‌دهند از مصونیت قضایی برخوردار خواهند بود...»

این کنوانسیون در بخش ۱۲ به آزادی کامل گفتار و استقلال تام نمایندگان دولت‌ها در مورد اعمالی که به مناسبت انجام‌وظیفه از آنان سر می‌زند تصریح دارد.

چنانچه در بخش ۱۴ از حیث تعارض مصونیت قضایی با اجرای عدالت، دولت متمتع از این امتیازات را مکلف به انصراف از آنها به نفع عدالت کرده است: «مزایا و مصونیت‌های اعطایی به نمایندگان دول عضو به‌منظور استفاده شخصی آنان نبوده بلکه جهت تأمین استقلال آنها در اجرای وظایف مربوط به سازمان است؛ بنابراین هر دولت عضو نه‌تنها حق دارد بلکه مکلف است در مواردی که بنا به تشخیص او مصونیت مانع اجرای عدالت است و انصراف از آن به هدفی که به سبب آن مصونیت اعطاشده خللی وارد نمی‌آورد از مصونیت نمایندگی خود صرف‌نظر کند.»

این مبنا در نظریه مشورتی ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ دیوان در اختلاف بین دولت مالزی و گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه استقلال قضا و وکلا - که از قضا تبعه همان کشور بوده است - مورد تأیید قرار گرفته است.

توضیح اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری از دادگاه مالزی خواسته بود که مصاحبه گزارشگر را در راستای انجام وظایف دانسته و هرگونه اقدام قضایی علیه او - بنا به شکایت شاکیان خصوصی موضوع تهمت و افتراء - به استناد مصونیت او به موجب ماده ۶ بخش ۲۲ کنوانسیون

متوقف شود. همان‌طوری که در پرونده مازیلو، گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، (نظریه مشورتی ۱۴ دسامبر ۱۹۸۹ دیوان) صورت گرفت. اضافه می‌شود که طبق بخش ۳۰ کنوانسیون، مستند به ماده ۹۶ منشور و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، نظریه مشورتی باید مورد پذیرش طرفین اختلاف قرار گیرد (United Nations, 2002: 63-70).

سوم؛ در پس این اختلافات نگاه متفاوت حقوق بشری نهفته است. با این استدلال که چگونه می‌توان رفتار یکسان را از نظر اجرای عدالت نسبت به دو اولویت و ضرورت متفاوت با اعمال مصونیت بر اساس مادی توجیه کرد.

یک- زمانی که با رفتارهایی مواجه هستیم که متضمن نقض قواعد آمره<sup>۲۸</sup> یا تعهدات عام‌الشمول<sup>۲۹</sup> یا «جنایات بین‌المللی» یا «جنایات بر اساس حقوق بین‌الملل» یا «جنایات شدید بر اساس حقوق بین‌الملل» هستند؛

دو- وقتی که موضوع فقط رسیدگی به وظایفی است که آیا اتهامات انتسابی در زمره «اعمال رسمی» یا «اعمال به مناسبت سمت رسمی» قرار می‌گیرند؟

گروه سوم می‌گویند: همان‌طور که دیوان خاطرنشان ساخته است تعارضی بین این دو دسته اعمال وجود ندارد، قواعد مصونیت دولتی واجد خصیصه آیین‌نامه‌ای و محدود است به اینکه فلان دادگاه می‌تواند نسبت به فلان عمل دولتی اعمال صلاحیت بکند یا خیر و این امر تعارضی با قواعد ماهوی قواعد آمره ندارد که آیا فلان عمل قانونی بوده یا غیرقانونی. در صورت غیرقانونی بودن فعل انتسابی، دولت متبوع با سلب مصونیت توسط وزیر خارجه یا چنانچه متخلف شخصاً در محل دادگاه رسیدگی‌کننده حضور داشته باشد می‌توان قاعده مصونیت را اعمال نکرد.<sup>(۳۳)</sup>

### ۳. زیربنای استدلالی اصل مصونیت قضایی

به‌منظور اتخاذ مواضع از سوی ایران باید به‌طور مختصر به مبنای استدلالی اصل مصونیت قضایی اشاره کرد.

#### ۳-۱. در عصر دیپلماسی نوپا

این دوره مربوط به پیش از کنگره وستفالی در قرن هفدهم است که دولت‌های ملی پا به عرصه و صحنه بین‌المللی نهادند، امپراتور، پادشاه، خلیفه، ملک و شیوخ جوامع و قبایل، خود را تجلی حاکمیت دولت می‌دانستند. به بیان دیگر شخص حاکم و فرمانروا، هرچند با نام‌های مختلف، خود مظهر اقتدار به شمار رفته، اراده آنها یعنی حاکمیت و حق حکومت و حاکمیت یعنی اراده این اشخاص. همچنان که لوئی چهاردهم، پادشاه فرانسه از ۱۶۸۳ تا ۱۷۱۵، حتی در اوایل قرن

28. Jus Cogens

29. Erga Omnes



۱۸ می‌گفت: دولت یعنی من.<sup>۲۰</sup> در این دوره زمانی، منبع حق حکومت و حاکمیت حاکمان و فرمانروایان یکی از این دو منشأ را داشت: ۱- منشأ الهی یا خدایان؛ لذا حاکمان خود را سایه خدا می‌خواندند (ظل‌الله) و در قرون وسطا کلیسا واسطه تفویض مشروعیت حکومت به پادشاهان بود. ۲- منشأ حاکمیت زمینی؛ در این رویکرد حاکمیت سرچشمه گرفته از اراده شخص فرمانروا بود.<sup>(۲۴)</sup> نتیجه هر دو تئوری یکی بود. مصونیت آنها نسبت به رفتارها و دستورات داده‌شده، با هدف عدم مسئولیت و عدم الزام به پاسخگویی در برابر رعایا و مردم.

### ۳-۲. دوره دیپلماسی کلاسیک

این دوران که از صلح وستفالی تا تشکیل جامعه ملل در ۱۹۱۹ را شامل می‌شود دولت‌های ملی تشکیل و دیپلمات‌ها و مقامات کنسولی در صحنه بین‌المللی فعال شدند، تئوری مصونیت حکام و فرمانروایان که ریشه در روابط قرون پیشین داشت به تدریج بر اساس تساوی حاکمیت دولت‌های اروپایی به‌عنوان مصونیت دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفت. مصونیت دیپلمات‌ها و کنسول‌ها به‌ویژه در قرون ۱۸ و ۱۹ وارد موافقت‌نامه‌های دوجانبه شد. اصل دول کامله‌الوداد و کاپیتولاسیون نیز نقش مهمی هرچند بعضاً منفی ایفا کردند.

### ۳-۳. عصر دیپلماسی نوین

در این دوران هم با توجه به اصل منع مداخله در امور دیگر دولت‌ها، تساوی و استقلال همه دولت‌ها در قوانین داخلی برخی کشورها به مصونیت دولتی و دیپلماتیک تصریح و به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی در رویه قضایی مورد پذیرش واقع شده و در معاهدات بین‌المللی دوجانبه و چندجانبه تثبیت شد. اوج تثبیت قراردادی مصونیت‌های دیپلماتیک در موافقت‌نامه‌های چندجانبه نیمه دوم دهه ۱۹۴۰ و دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود.

این مصونیت بر دوپایه استوار بود: ۱- مصونیت بر پایه شخصی نسبت به خود فرد و فعالیت‌های شخصی آن دسته از مقامات برجسته دولتی است که در مقام نماینده دولت در صحنه خارجی شناخته می‌شوند. مصداق اصلی آنها نمایندگان، رؤسای کشور، رؤسای دولت (حکومت) و وزرای خارجه هستند.<sup>(۲۵)</sup> ۲- دیپلمات‌ها نیز چون نماینده دولت متبوع خود بوده و مقام صالح برای مذاکره از سوی دولت متبوع و حافظ منافع دولت خود هستند، علاوه بر مصونیت بر مبنای مادی (فعلی) و شغلی، از مصونیت شخصی هم برخوردار هستند. مشابه این استدلال در خصوص ارگان‌ها و دستگاه‌ها و مقامات دولتی مطرح است؛ یعنی علاوه بر مبنای مصونیت شخصی، مصونیت مقامات دولت خارجی توجیه دیگری هم داشت و آن ضرورت و مصلحت انجام وظیفه بود؛ یعنی این افراد از مصونیت برخوردارند زیرا وظایف دولت را انجام می‌دهند و به نمایندگی از دولت که شخص حقوقی است عمل می‌کنند.

انتقادی که بر این توجیه وارد است این است که هدف از مصونیت ممانعت از اخلال در انجام وظایف محوله به ترویکا است و حال آنکه چنین تفسیری از مبنای شغلی و مصلحت انجام وظیفه، ممنوع شدن ترویکا از انجام وظایف قانونی خواهد بود حتی زمانی که هنوز در سمت قانونی باقی است.

اما برون‌رفت درست این است که بگوییم مصونیت قضایی و اداری مبتنی بر انجام وظیفه به معنای برخورداری از آزادی کامل در انجام وظایف است به طوری که حتی اعمال فراقانونی نیز نتواند مانع از انجام الزامات شغلی شود. از این تفسیر اکثر قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پرودیا دفاع کرده‌اند. با این تفاوت که آنها این مصونیت را به مطلق مصونیت زمانی اعمال دوران اشتغال در سمت تفسیر می‌کردند و حال آنکه تفسیر منطقی این است که بگوییم ادامه مصونیت فراقانونی پس از زائل شدن سمت دیگر ضرورتی ندارد لذا مسئولیت نسبت به اعمال فراقانون شروع می‌شود.

از جمله نتایج این تئوری پذیرش اصل عدم اعمال صلاحیت کیفری یک دولت علیه دولت دیگر معروف به مصونیت قضایی دولت‌ها بود که بر اساس *Par in Parem non habet Imperum* به معنای «دو طرف مساوی هیچ‌یک بر دیگری نمی‌تواند تفوقی داشته باشد» توجیه می‌شد که با اصول حاکمیت، استقلال و حیثیت دولتی هم سازگاری داشت. اطلاق چنین مصونیتی، شامل عدم اعمال صلاحیت حقوقی و اداری نیز بود. رأی دیوان عالی کشور آمریکا در سال ۱۹۱۲ مبنی بر رد شکایت مالکان آمریکایی کشتی علیه دولت فرانسه نسبت به ضبط کشتی خود *Schooner Exchange* متأثر از این تئوری بود. تحول دیگر تعمیم پذیرش مصونیت فردی به نهادهایی بود که به‌عنوان نمایندگی از سوی دولت خارجی فعالیت می‌کردند (سفارت و نمایندگی کنسولی)؛ و توسعه قلمرو آن به تابعان دیگر حقوق بین‌الملل یعنی نمایندگان و مأموریت‌های سازمان‌های بین‌المللی.

از این نگاه در عصر دیپلماسی نوین مقدمه تحولی در زمینه تئوری مصونیت فراهم شد به این معنا که معاهده ورسای ۱۹۱۹ با تفکیک مسئولیت فردی از دولتی ایده مسئولیت کیفری فردی رؤسای کشورها را در ارتباط با جنایات مهم مانند تجاوز پذیرفت با اینکه مبادرت به جنگ، یک عمل حاکمیتی به شمار می‌آید. البته احراز مسئولیت و محاکمه در برابر یک دیوان بین‌المللی بود و نه از سوی دولت‌ها و محاکم ملی. هرچند به دلیل پناهندگی و یله‌هم دوم امپراتور آلمان، شروع‌کننده جنگ اول جهانی و نقض‌کننده قداست معاهدات بین‌المللی، به هلند و عدم استرداد وی به متفقین چنین دادگاهی هم تشکیل نشد. موضوع بحث مقاله حاضر بررسی تحول ایده مطلق مصونیت کیفری مقامات مهم دولتی خارجی در برابر محاکم داخلی است.

#### ۴. ایستایی حقوق مصونیت قضایی یا حرکت به سمت تحول

اکنون مناسب است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در حوزه مصونیت قضایی باید تلاش برای مکتوب کردن قواعد حقوق بین الملل عرفی (به اصطلاح حقوق مثبت و مکتوب<sup>۳۱</sup> و در این خصوص به ادعای گروه دوم دفاع از ایستایی حقوق بین الملل یا دفاع و تلاش در جهت تحول آن؟

آیا می توان از دیدگاه گروه دوم (عدم مصونیت نسبت به جنایات بین المللی از جانب محاکم داخلی) به عنوان روند جدید و قانون مطلوب<sup>۳۲</sup> حمایت کرد یا اینکه آراء استنادی آنها آراء سیاسی بوده اند به ویژه آراء علیه کشورمان؟ چگونه می توان و به نحوی مانند تبیین آستانه و معیار، تمایزی بین عدم مسئولیت کیفری دولت و مسئولیت کیفری فردی مقام دولتی قائل شد؟ آنجا که طرح مسئولیت دولتی (۲۰۰۱) در ماده ۵۸ و طرح پیشنهادی مسئولیت سازمان های بین المللی (۲۰۱۱) در ماده ۶۶ خود هر چند به طور خیلی کلی مقرر می دارند که مواد پیشنهادی خدشه ای بر مسئولیت فردی به موجب حقوق بین الملل که از سوی سازمان بین المللی یا دولت اقدام می کند، وارد نمی سازد.

در جهان کنونی که سیل اتهامات ناروا و پرونده های ظالمانه علیه کشورمان مفتوح و همچنان در حال تشکیل است آن هم با تحمیل هزینه های سرسام آور مادی و حیثیتی، مصلحت ما در حمایت از کدام گزینه نهفته است با توجه به اینکه قانون اساسی ما نیز برای هیچ کس مصونیتی در قبال ارتکاب جرم قائل نشده است؟ و حتی طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبری نیز، در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

شگفت انگیز این است که اگر نگوئیم آراء محاکم آمریکایی نسبت به پرونده های مربوط به مقامات برجسته دیگر کشورها و از جمله علیه ایران در عدم پذیرش اصل مصونیت و یا نسبت به رژیم اسرائیل در پذیرش اصل مصونیت، سیاسی بوده اند، تردیدی وجود ندارد که آراء دادگاه های آنها علیه مسئولان دولتی ایران آن هم با مقرر کردن مجازات چند صد میلیون دلاری از بابت خسارات تنبیهی، علاوه بر خسارات مادی و معنوی، برای هر پرونده و یا به اصطلاح کیفرخواست دادستان های آرژانتینی و موافقت قاضی تحقیق در پرونده انفجار آمیا (مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین)، آرای سیاسی بوده و نه حقوقی و این گونه آراء نمی توانند پایه شکل گیری یک قاعده عرفی و رویه قضایی بین المللی<sup>۳۳</sup> شناسایی و اعلام شوند. چگونه می توان از حیث اعمال صلاحیت محاکم خارجی «و نه بین المللی» بین قواعد انتساب مسئولیت دولتی با مصونیت دولتی که متضمن نوعی عدم مسئولیت رفتاری است، تعادل برقرار ساخت؟ مثلاً با

31. Positivism

32. Lex Ferenda

33. Opinio Juris

پذیرش مسئولیت کیفری فردی در خصوص اعمال تصدی که به لحاظ تفکیک بین اعمال حاکمیتی با تصدی<sup>(۲۶)</sup> می‌تواند قلمرو محدودتری به نسبت قاعده مسئولیت دولتی داشته باشد؟ یا اینکه بگوییم حتی چنانچه فلان اعمال، اعمال حاکمیت دولتی تلقی شوند، آن را مشمول مبنای مادی مصونیت نمی‌شناسیم یا بگوییم فقط در خصوص ارتکاب جنایت شدید بین‌المللی مبنای مادی دیگر اجرا نخواهد شد؟

چگونه می‌توان نسبت به اجرای محاکمه منصفانه در رسیدگی‌های قضایی داخلی در پرونده جرائم و جنایات فاحش، آن‌هم در جهان سخت سیاسی کنونی اطمینان حاصل کرد؟ در صورت لغو یا عدم اعمال اصل مصونیت، چه تضمین‌های بین‌المللی برای اجرای عدالت و یا عدم ایجاد تنش در روابط بین‌المللی وجود دارد؟ از سوی دیگر، چگونه می‌توان بی‌تفاوتی و بی‌کیفری را نسبت به جنایات زورگویان بین‌المللی به‌ویژه سران اسرائیل را در مواجهه با حقوق بنیادین مظلومان فلسطینی توجیه کرد؟ آنهایی که مصداق واقعی آیه «انما جزاء الذین ... و یسعون فی الارض فساداً» مجازات کسانی که ... در زمین فساد را پراکنده می‌سازند (قرآن مجید، مائده: ۳۳)، هستند.

واقعیت مهم اینجاست که نمی‌توان تأثیر منافع ملی را بر قواعد آیین‌نامه‌ای (شکلی) و (ماهوی) حتی از حیث اعمال صلاحیت کیفری مراجع بین‌المللی و نه داخلی نادیده گرفت. به‌عنوان مثال، درحالی‌که ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اصل عدم تأثیر سمت رسمی بر صلاحیت دیوان را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ ماده ۱۶ اساسنامه استثناء مصونیت را بنا به قطعنامه شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور یعنی زمانی که صلح و امنیت بین‌المللی مورد تهدید یا نقض قرار گیرد برای مدت ۱۲ ماه قابل تمدید و بدون محدودیت می‌پذیرد: «چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به‌موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به‌موجب همان شرایط، قابل تجدید توسط شورای امنیت است.»

این ماده باوجود مخالفت کشورهای درحال توسعه از جمله ایران با فشار امریکا وارد اساسنامه شد. ماده‌ای که مغایر استقلال قضایی دیوان است. هیئت هند در مخالفت با این استثناء- هرچند خود هند نیز هنوز حاضر به پیوستن به دیوان نشده است- می‌گفت: «از یک‌سو استدلال می‌شود که دیوان کیفری بین‌المللی برای محاکمه خطرناک‌ترین جرائم تشکیل می‌شود. از سوی دیگر گفته می‌شود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم آن است که کسانی که مرتکب این جرائم شده‌اند چنانچه شورای امنیت بخواهد بتواند از اجرای عدالت بگریزند، پذیرش دخالت شورای امنیت درواقع به این معنا است که کنفرانس می‌پذیرد که اجرای عدالت می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را از بین ببرد.» (شبت، ۱۳۸۴: ۸۹)

امریکا از موضع منافع ملی همین فشار را بر شورای امنیت وارد ساخت تا از آن طریق دیوان را مجبور کند که مصونیت قضایی نیروهای حافظ صلح را که از کشورش تشکیل شده بود، تحت عنوان اینکه امریکا عضو دیوان نیست محترم بشمارد. توضیح اینکه شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ از دیوان خواست که هیچ اقدام قضایی نسبت به نیروهای حافظ صلح از کشور غیر عضو دیوان را به مدت ۱۲ ماه قابل تمدید به عمل نیاورد. در ژوئیه ۲۰۰۳ نیز مجدداً شورای امنیت درخواست تجدید را تکرار کرد (قطعنامه‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷). بدین طریق هیچ رسید قضایی نسبت به رفتار کارکنان و پرسنل نظامی امریکا مأمور در نیروهای حافظ صلح صورت نگرفته است.

شورای امنیت بنا به درخواست امریکا در اوت ۲۰۰۳ این عدم صلاحیت را نسبت به برخی از مقامات پیشین و یا در حال انجام وظیفه در نیروهای حافظ صلح در لیبیا مورد تأیید قرارداد. جالب اینکه امریکا ابتدا پیشنهاد کرده بود که این مصونیت‌ها به طور خودکار تمدید شود که پذیرفته نشد.<sup>(۲۷)</sup>

در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ امریکا فراتر از این رفته و با تحمیل بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و تهدید کشورهایی که حاضر به امضاء نباشند موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و امریکای لاتین منعقد کرده است که به موجب آنها تحویل (یا استرداد) اتباع آمریکایی، پرسنل نظامی، مقامات پیشین یا کنونی دولت امریکا به دیوان کیفری منع شده‌اند.<sup>(۲۸)</sup>

مصونیت نسبت به صلاحیت قضایی دولت میزبان در قراردادهای مربوط به خدمت پرسنل آمریکایی، فرانسوی در نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد همواره مورد تأیید قرار گرفته است اما از نگاه تأثیر منافع ملی امریکا بر قواعد ماهوی کافی است فشار این کشور را برای تصویب ماده ۹۸ اساسنامه دیوان در نظر آوریم که صریحاً مصونیت دولت‌ها، مصونیت سیاسی اشخاص و اموال را تحت عنوان «همکاری در رابطه با انصراف از مصونیت و رضایت به تحویل» به شرح زیر شناسایی گردیده است:

۱- دیوان نمی‌تواند نوعی از همکاری را درخواست کند که دولت مورد درخواست مجبور شود برخلاف تعهداتی عمل نماید که به موجب حقوق بین‌الملل در مسئله مصونیت دولت‌ها یا مصونیت سیاسی شخص یا اموال ثالث به عهده دارد مگر اینکه قبلاً همکاری آن دولت ثالث را به منظور رفع مصونیت جلب کرده باشد.

۲- دیوان نمی‌تواند تحویلی را درخواست کند که دولت مورد درخواست مجبور شود برخلاف تعهداتی عمل نماید که به موجب قراردادهای بین‌المللی رضایت دولت فرستنده برای تحویل تبعه دولت مزبور به دیوان شرط شده است مگر اینکه دیوان قبلاً رضایت دولت فرستنده را برای انجام این تحویل تحصیل کرده باشد.

## فرجام

از جمله نتایج این نظریه عمل دولتی، پذیرش اصل عدم اعمال صلاحیت کیفری یک دولت علیه دولت دیگر معروف به مصونیت قضایی دولتها است که بر اساس *Par in Parem non habet* Imprtum به معنای «دو طرف مساوی هیچ‌یک بر دیگری نمی‌تواند توفقی داشته باشد» توجیه می‌شود که با اصول حاکمیت، استقلال و حیثیت دولتی هم سازگاری دارد. اطلاق چنین مصونیت، شامل عدم اعمال صلاحیت حقوقی و اداری نیز است. رأی دیوان عالی کشور امریکا در سال ۱۹۱۲ مبنی بر رد شکایت، مالکان آمریکایی کشتی علیه دولت فرانسه نسبت به ضبط کشتی خود Schooner Exchange متأثر از این تئوری بوده است.

۱- مصونیت بر پایه شخصی نسبت به خود فرد، فعالیت‌های شخصی آن دسته از مقامات برجسته دولتی است که در مقام نماینده دولت در صحنه خارجی شناخته می‌شوند. مصداق اصلی نمایندگان، رؤسای کشور، رؤسای دولت و وزرای خارجه هستند. دیپلمات‌ها نیز چون نماینده دولت متبوع خود بوده و مقام صالح برای مذاکره از سوی دولت متبوع و حافظ منافع دولت خود هستند، علاوه بر مصونیت بر مبنای مادی (فعلی) و شغلی، از مصونیت شخصی هم برخوردار هستند؛ بنابراین، برخی از رفتارهای تخلف آمیز دیپلمات با اینکه ارتباطی به اعمال و مبنای شخصی و نمایندگی قابل توجیه است تا مبنای مادی و انجام وظایف شغلی. مثلاً در تخلفات رانندگی، راننده یا جریمه نمی‌شود و یا نمی‌توان او را مجبور به پرداخت جریمه کرد یا او را توقیف یا بازداشت نمود و یا خودروی او را متوقف یا ضبط و صادره کرد. همین‌طور مزایای دیپلماتیک بر این اساس، منطبق معقول‌تری پیدا می‌کند مانند برخی مزایای گمرکی.

۲- بر این اساس برخلاف مصونیت بر پایه مادی- شغلی با انتفاء و یا سلب سمت نمایندگی، فقط این جنبه مصونیت زایل و منتفی خواهد شد.

۳- انتقادی که بر این تفسیر وارد است این است که هدف از مصونیت عدم اخلاص در انجام وظایف محوله به تروئیکاست و حال آنکه چنین تفسیری از مبنای شغلی و مصلحت انجام‌وظیفه، یعنی ادامه مصونیت حتی زمانی که دیگر در سمت قانونی باقی نمانده به معنای بی‌کیفری و فرار از مسئولیت قانونی نسبت به ارتکاب جنایت است.

برونرفت درست این است که بگوییم مصونیت قضایی و اداری مبتنی بر انجام‌وظیفه به معنای برخورداری از آزادی کامل در انجام وظایف است به طوری که حتی اعمال فراقانونی نیز نتواند با این توجیه که در چارچوب وظایف محول شده نیستند مشمول مصونیت نبوده مانع از انجام الزامات شغلی آنان گردد. از این تفسیر اکثر قضات دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پرودیا دفاع کرده‌اند.

یعنی مطلق مصونیت زمانی اعمال در دوران اشتغال در سمت و ادامه آن مصونیت پس از

کنار رفتن از مقام و حال آنکه تفسیر منطقی این است که بگوییم ادامه مصونیت فراقانونی پس از زایل شدن سمت دیگر ضرورتی ندارد، لذا مسئولیت نسبت به اعمال فراقانونی شروع می‌شود. تردیدی نیست که تئوری مصونیت مطلق چالش بزرگی را پیش آورده و آن عدم پاسخگویی و عدم مسئولیت حقوقی و کیفری دولت و مقامات دولتی در نقض حقوق افراد حقیقی یا حقوقی از راه ارتکاب جرم و جنایت است، بدون اینکه خسارات وارد شده جبران گردد. بی‌کیفری از یک‌سو و عدم حاکمیت قانون هم چالش‌های دیگری هستند.

یک راه برون‌رفت این است که آنجا که دولت و یا مقامات دولتی نه در مقام انجام وظایف حاکمیتی بوده بلکه فعالیت‌هایی باشند که افراد خصوصی هم انجام می‌دهند و در واقع تابع حقوق خصوصی می‌باشند، مسئول و پاسخگو باشند، اعمالی که از آن به اعمال تصدی (تصدی‌گری) یاد می‌شود. از اینجا مقید و محدود بودن مصونیت در برابر مصونیت مطلق مطرح شده که البته به اعمال صلاحیت حقوقی (مدنی) مقید است و نه کیفری.

یک برون‌رفت دیگر هم این است که گفته می‌شود مبنای مصونیت شغلی و انجام وظایف به این معنی است که در رابطه با آنچه وظیفه آنها است مصونیت وجود دارد پس مثلاً دستور به شکنجه و یا حمایت از شکنجه و دیگر جرائم مهم مانند ناپدید شدن اجباری، گروگان‌گیری، ترور نرم و غیره چون در زمره وظایف آنها قرار ندارند پس مصونیتی وجود ندارد. این استدلالی بود که در پرونده پینوشه مطرح شد.

با وجود این که در سال‌های اخیر مصونیت مقامات خارجی از اعمال صلاحیت کیفری یکی از موضوعات مورد بحث کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل بوده که هنوز قرائت نهایی آن به پایان نرسیده است. برای توضیحات بیشتر می‌توان به سند یادشده در پاورقی مراجعه نمود.<sup>(۲۹)</sup>

### پانوشته‌ها:

- (۱) تیرماه ۱۳۷۷ و حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن آن در ژوئیه ۲۰۰۲ (تیرماه ۱۳۸۱).
- (۲) معروف به جنایات عمده Core Crimes برای تفصیل این جنایات می‌توان به کتاب نگارنده تحت عنوان *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی*، ۱۳۸۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه صفحه ۱۴۹ به بعد مراجعه کرد.
- (۳) عدم جرم‌انگاری و عدم تعیین مجازات از جمله دلایل وکلای متهمان دیوان‌های بین‌المللی نظامی نورنبرگ و توکیو در محاکمه‌های سال‌های پس از جنگ دوم جهانی (۴۸-۱۹۴۵) بود از این حیث که محاکمه به استناد مقررات تصویب‌شده پس از وقوع جرائم انتسابی نقض اصل عدم عطف بمسابق نشدن مقررات کیفری است. مانند شکایت علیه سید احمد طایا رئیس‌جمهور موریتانی، صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق، آریل شارون (نخست‌وزیر سابق اسرائیل)، (متهم به کشتار صبرا و شتیل). Laurent Gbagbo (رئیس‌جمهور وقت ساحل‌عاج)، Paul Kagame (رئیس‌جمهور سابق رواندا)، فیدل کاسترو (رهبر کوبا)، Ange-Felix Patasse (رئیس‌جمهور جمهوری آفریقای مرکزی)، Denis Sassou Nguesso (رئیس‌جمهور جمهوری دموکراتیک کنگو)، (اسرائیلی‌ها علیه) یاسر عرفات، حسن هابره (رئیس‌جمهور سابق چاد)، ژنرال اگوستو پینوشه (رئیس‌جمهور سابق شیلی)، اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس‌جمهور اسبق جمهوری اسلامی ایران)،

رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سابق چین (در قضیه تبت). اضافه می‌شود که بر اثر فشار امریکا، بلژیک مجبور شد در سال ۲۰۰۳ قلمرو صلاحیت قضایی قانون اعمال صلاحیت جهانی را محدود سازد. دادگاه قانون اساسی بلژیک نیز در ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ با نقض رأی دادگاه نخستین بلژیک، محاکمه شارون را به پس از کنار رفتن از سمت خود موکول کرد.

(۴) مراجعه شود به قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مصوب ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲ (آبان ۱۳۹۱).

(5) Justice for Victims of Terrorism Act, <http://Laws-Lois.Justice.gc.ca>.

(۶) مثلاً ماده ۴ قانون کانادایی (قانون عدالت برای قربانیان تروریسم) شروع صلاحیت زمانی کیفری را یکم ژانویه ۱۹۸۵ اعلام داشته است.

(۷) مراجعه شود به توضیحات رسمی کنوانسیون مزبور (Explanatory Report) و ماده ۵ کنوانسیون اجرای احکام مدنی و تجاری لاهه ۱۹۷۱.

(۸) به تبع آن لزوم رسیدگی قضایی و صدور رأی و عدم پذیرش ایراد عدم صلاحیت به استناد اصل مصونیت که مقرر می‌دارد هیچ دولتی بر اساس اصل تساوی تابع اعمال صلاحیت دولت دیگر نیست.

(Par in Parem non habet imperium)

(۹) نمونه‌ای از دکتربین ناظر بر عدم پذیرش مصونیت توضیحی است که پروفسور شریف بسینی، رئیس مؤسسه بین‌المللی حقوق جزا و مؤسسه بین‌المللی مطالعات عالی درزمینه علوم جنائی و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو در خصوص جنایات بین‌المللی ارائه داده است آنجا که می‌نویسد: «آن دسته از جنایات بین‌المللی که به سطح قاعده آمره Jus cogens می‌رسند، تکالیف عام‌الشمول obligatio erga omnes غیرقابل نقض خواهند بود. این تعهدات شامل تکالیف «مورد پیگرد قرار ده یا مسترد کن»، عدم اعمال شمول مرور زمان، عدم اعمال مصونیت‌ها از جمله درباره سران کشورها، عدم پذیرش عذر و توجیه «اطاعت از فرامین و دستورات مافوق»، انجام این تعهدات خواه در زمان صلح و خواه جنگ، عدم نقض آنها در وضعیت‌ها و حالت‌های فوق‌العاده و اعمال صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبان چنین جنایت‌هایی است (Bassiouni, 1997: 63).

(۱۰) اصلاحیه مزبور، قلمرو قانون مصونیت دولت‌های خارجی امریکا (قانون ۱۹۷۶-۱۹۷۶) را محدودتر کرده و متقابلاً جمهوری اسلامی ایران نیز حیطه این مصونیت را محدود کرده است.

(۱۱) در رأی‌گیری مجمع عمومی اینترپل (مراکش) در ۷ نوامبر ۲۰۰۷، ایران کل اتهامات را بی‌اساس اعلام و آنها را دروغ‌های ساخته و بافته‌شده محافل صهیونیستی و آمریکایی خوانده و بارها اعلام داشته است که رسیدگی قضایی و قرارهای صادر شده توسط دادستان‌های آرژانتینی مغایر و ناقض اصل مصونیت دولتی و دیپلماتیک و تعهدات آن دولت است. باوجوداین برای اثبات حسن نیت خود و نشان دادن روحیه همکاری اعلام می‌داشت که قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۶ اجازه رسیدگی به اتهامات را در مراجع قضایی ایران بر اساس مستندات ارائه‌شده اعطا کرده است. ماده ۶- قانون مجازات اسلامی ایران (مرداد ۱۳۷۰): «هر جرمی که ... و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.»

(۱۲) در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۱ دادگاه قانون اساسی ایتالیا (Court of Cassation) درخواست پژوهش (جمهوری فدرال) آلمان نسبت به رأی دادگاه پژوهش فلورانس ایتالیا را رد کرد. دادگاه فلورانس اجرای قرار (تصمیم) صادره (exequatur) توسط دادگاه لی‌وادیا (Livadia) دایر بر پرداخت غرامت به قربانیان کشتار Distomo از سوی آلمان یعنی واقعه‌ای که در جریان جنگ دوم جهانی رخ داده بود را تأیید کرد؛ زیرا به نظر دادگاه ایتالیایی، شناسایی و اجرای رأی دادگاه یونانی ناقض ماده ۶۴ قانون ایتالیا (۱۹۹۵) (از حیث عدم تعارض با قوانین داخلی و عدم مغایرت با نظم عمومی کشور ایتالیا) نیست. برای چنین نتیجه‌گیری‌ای (مرتبط با حقوق بین‌المللی خصوصی) دادگاه قانون اساسی ایتالیا به بررسی بسیاری از اصول حقوق بین‌المللی عمومی و



استدلال‌های مرتبط می‌پردازد، از جمله به پرونده‌ای که در آن استناد به مصونیت دولتی به منظور عدم اعمال صلاحیت قضایی علیه دولت‌های خارجی با موضوع ارتکاب جنایات مهم بین‌المللی، رد شده بود. دلیل دیگر اینکه از زمان پرونده Ferrini دادگاه قانون اساسی طی چندین قرار از تفوق قاعده حمایت از حقوق بنیادین بر قاعده عرفی بین‌المللی ناظر بر مصونیت دولتی نسبت به صلاحیت قضایی محاکم خارجی، پشتیبانی کرده است. در پرونده اخیر نیز دادگاه مزبور از همین استدلال استفاده کرده است که در مجموع، از همه آنها، یک نتیجه‌گیری حاصل می‌شود و آن رد استناد به مصونیت دولتی است. دادگاه قانون اساسی ایتالیا بر استثنای شبه‌جرم و لزوم عدم سوءاستفاده از تئوری حاکمیت و برعکس پذیرش و اولویت سلسله مراتبی قواعد آمره بر قاعده مصونیت دولتی تکیه کرده است (Frulli, 2011: 1129-42).

(۱۳) انتقاد کنگو به استدلال محاکم فرانسه در استناد به اصل صلاحیت جهانی و اعتراض به اعمال صلاحیت قضایی (علیه دولت دیگر) از سوی محاکم فرانسوی علیه مقامات کنگو با عبارات زیر بود:

[By] attributing to itself universal Jurisdiction in criminal matters and by arrogating to itself the power to prosecute and try the Minister of the Interior of a Foreign State for Crimes allegedly committed by him... France had violated "the Principle that a state may not [be] in breach of the exercise its authority on the territory of another State."

(۱۴) از سوی شاکیبانی که مدعی بودند قربانی قتل، انفجار، گروگان‌گیری از سوی فلسطینی‌ها و یا لبنانی‌هایی بودند که از سوی ایران حمایت مادی-آموزشی شده بودند.

(۱۵) ماده ۶- هر جرمی که ... و یا مستخدمات دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.

ماده ۷- ... هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.

ماده ۸- در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شود طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد.

(۱۶) در روسیه نیز همین روند آغاز شد؛ اما در سال ۲۰۰۵ دادستان کل روسیه سفر نخست‌وزیر وقت اکراین را به دلیل مصونیت دولتی بلامانع اعلام کرد.

(۱۷) با توجه به آستانه‌های اعمال صلاحیت.

(۱۸) شکایت جمهوری کنگو علیه بلژیک در آوریل (۱۱) سال ۲۰۰۲.

(۱۹) جنایات نفرت‌انگیزی که چون ژنو سید (نسل‌کشی)، علیه بشریت و علیه اصول بشردوستانه مانند جنایات جنگی به صورت گسترده یا سیاست عمومی رخ دهند.

(۲۰) مراجعه شود به:

ILC, SIXTY-Fourth session, 7 May-1 June and 2 July- 3 August 2012 (A/CN, A/L.804).

(۲۱) منبع پیشین، بندهای ۱۹-۱۷ و اجلاس ۶۴ (۷ مه، ۱ ژوئن و ۳ ژوئیه تا ۳ اوت ۲۰۱۲) سند A/CN.4/650.

(۲۲) نظریه برون‌مرزی بودن سفارت در توجیه مبنای حقوقی مصونیت‌ها، متأثر از این نگاه بود که می‌گفت سفارت بخشی از خاک دولت فرستنده در سرزمین دولت پذیرنده است.

(۲۳) دفاع از قاعده مصونیت دیپلماتیک را با حمایت دیپلماتیک مترادف دانست. حمایت دیپلماتیک ناظر بر حمایت دولت از تبعه خود است زمانی که حقوق تبعه در کشور دیگر نقض شده و راه‌های حقوقی احقاق حق بدون توفیق طی شده باشد و اکنون فرد زیان‌دیده به دولت متبوعش متوسل می‌شود. از این نظر می‌توان به شکایت کشور گینه علیه جمهوری دموکراتیک کنگو (در دسامبر ۱۹۹۸) به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کرد.

(۲۴) لوئی چهاردهم ایمان راسخ داشت به اینکه خداوند وی را به فرمانروایی کشور فرانسه برگزیده «و حق مسلم حکومت مطلق را به او تفویض کرده است ... لوئی در این عقیده متکی به کتاب مقدس بود ... هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید حق الهی پادشاهان تثبیت شده است.» (دورانت، ۱۳۶۸: ۱۸) لوئی چهاردهم بر این نظریه بود که خداوند پادشاهان را به‌عنوان تنها نگاهبانان امنیت و رفاه ملتشان برمی‌گزیند و ایشان نمایندگان خداوند بر روی زمین‌اند، آنها برای درست اجرا کردن وظایف الهی نیازمند قدرت بیکرانند؛ بنابراین، باید از اختیار و آزادی کامل در استفاده از هر نوع ملک و مالی خواه متعلق به روحانیون باشد یا مردم برخوردار باشند. او تنها به گفتن «مملکت یعنی من» اکتفا نکرده است (دورانت، ۱۳۶۸: ۱۹).

(۲۵) بنابراین برخی از رفتارهای تخلف‌آمیز یک دیپلمات با اینکه ارتباطی به اعمال و وظایف دیپلمات ندارد اما همچنان مشمول مصونیت قضایی و اجرایی است بیشتر بر اساس مبنای شخصی و نمایندگی قابل توجیه است تا مبنای مادی و انجام وظایف شغلی. مثلاً در تخلفات رانندگی، راننده یا جرمه نمی‌شود و یا نمی‌توان او را مجبور به پرداخت جرمه کرد یا خودش را توقیف یا بازداشت نمود و یا ماشین او را متوقف یا ضبط و مصادره کرد. همین‌طور مزایای دیپلماتیک بر این اساس، منطبق مقبول‌تری پیدا می‌کند مثل برخی مزایای گمرکی. برخلاف مصونیت بر پایه مادی-شغلی سؤال این است که آیا انتفاء و یا سلب سمت نمایندگی، موجب زائل شدن و انتفاء این مصونیت خواهد شد.

(۲۶) Acta Jure Gestionis اعمالی که دولت همانند یک شخص خصوصی انجام می‌دهد و تابع حقوق خصوصی است که شامل اموال غیرمنقول هم می‌شود، اگرچه ملکی که دولتی در خارج می‌خرد برای مقاصد دولتی باشد مگر در ارتباط با مالیات و عوارض و یا صدور اجرائیه علیه آن، آن هم تحت شرایط خیلی استثنائی مانند استفاده تجاری یا صنعتی از آن.

(۲۷) جهت مطالعات بیشتر، (چهار مقاله برگزیده از همایش استرداد مجرمین، علیرضا دیهیم، «نقش سازمان‌های بین‌المللی در استرداد مجرمین» صص ۳۳-۳۴ پلیس بین‌الملل ناجا (۱۳۸۸)؛ سخنرانی نگارنده در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علوم انتظامی؛ مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری شماره ۳۲، مقاله استان کارستن (۱۳۸۴).

(۲۸) مقاله نویسنده این مقاله در مجله انگلیسی سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه:

Yearbook of the Asian African Legal Consultative Organization (AALCO) Vol II (2004), pp. 201, 202 and 213, 214.

(29) Immunity of State officials from foreign criminal jurisdiction, In accordance with General Assembly resolution 69/118 of 10 December 2014, the International Law Commission sixty-seventh session, 2015, Topics considered in 2015 (chap. II of the Report), <http://legal.un.org/ilc/sessions/67/index.shtml#a1>

و گزارش‌های سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل.

## منابع فارسی

استان، کارستن (۱۳۸۴)، "معافیت نیروهای حافظ صلح دولت‌های غیر عضو اساسنامه ICC از صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی: ابهامات قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت"، ترجمه سید حسام‌الدین لسانی، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۲: ۲۵۷-۲۲۱.

دورانت، ویل (۱۳۶۸)، *تاریخ تمدن*، جلد ۸: عصر لوئی چهاردهم، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

دیهیم، علیرضا (۱۳۸۰)، *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

امور خارجه.

دیهیم، علیرضا (۱۳۸۸)، "نقش سازمان‌های بین‌المللی در استرداد مجرمین"، در ابوالفضل منتظری (گردآورنده)، **چهار مقاله برگزیده از همایش استرداد مجرمین**، زیر نظر محمدرضا کریمی، ویرایش عزت‌الله زمانی، اداره

کل پلیس بین‌الملل، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

شبت، ویلیام (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی**، ترجمه باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: جنگل.

عبدالهی، محسن و میرشهبیز شافع (۱۳۸۶)، **مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل**، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ دوم.

قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مصوب ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲ (آبان ۱۳۹۱).

قانون کانادایی عدالت برای قربانیان تروریسم.

قانون مجازات اسلامی ایران (مرداد ۱۳۷۰).

کدخدایی، عباسعلی و علی داعی (۱۳۹۰)، **سلب مصونیت دولت: بررسی تحلیلی قوانین و مقررات ایالات متحده آمریکا در سلب مصونیت از جمهوری اسلامی ایران نزد محاکم این کشور**، تهران: چاپ و انتشارات نهاد ریاست جمهوری.

کنوانسیون اجرای احکام مدنی و تجاری لاهه ۱۹۷۱

گزارش‌های سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل.

ویس کرمی، علی (۱۳۸۸)، "آرای دادگاه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل"، **پژوهشنامه ۵**، معاونت پژوهش‌های فقهی و حقوقی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

## منابع لاتین

Bassiouni, M. Cherif (1997), "International Crimes: Jus Cogens and Obligatio Erga Omnes", in *Law and Contemporary Problem*, Vol. 59, No. 4.

Deyhim, Alireza (2004), "The International Criminal Court: Recent Developments", *The Iranian Journal of International Affairs*, Number 21: 89-126.

Deyhim, Alireza (2005), "The International Criminal Court: Recent Developments", *Yearbook of the Asian-African Legal Consultative Organization*, Vol. II, Asian-African Legal Consultative Organization, New Delhi, India: AALCO Secretariat, 2004: 181-216.

Frulli, Micaela (2011), "The times they are A-Changing – the Italian Court of Cassation denies Germany immunity from execution to allow Compensation to war crimes victims", *Journal of International Criminal Justice* 9.

*ICJ Reports* 1989.

ILC, Sixty-Fourth session, 7 May-1 June and 2 July- 3 August 2012 (A/CN.4/L.804).

Immunity of State officials from foreign Criminal Jurisdiction, In Accordance with General

- Assembly Resolution 69/118 of 10 December 2014, the International Law Commission Sixty-Seventh Session, 2015, Topics Considered in 2015 (Chap. II of the Report), <http://legal.un.org/ilc/sessions/67/index.shtml#a1>
- Justice for Victims of Terrorism Act, <http://Laws-Lois.Justice.gc.ca>
- Lutz, Ellen (2009), *Prosecuting Heads of States*, USA: Cambridge University Press.
- Miller, Anthony J. (2007), "United Nations Expert on Mission and Their Privileges and Immunities", *International Organization Law Review*, Martinus Nijhoff Publisher: 11-56.
- United Nations (2003), *Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the ICJ*, 1997-2002.
- United Nations (2008), *Report of the International Court of Justice*, 1 August 2007-31 July 2008, General Assembly, Official Records, Sixty-third Session, Supplement No. 4, United Nations, New York.
- United Nations (2011), *Report of the International Law Commission*, Sixty-third session (26 April-3 June and 4 July-12 August 2011), General Assembly, Official Records, Sixty-sixth Session, Supplement No. 10, United Nations, New York.